



جامعه اسلامی، با انجام این تکلیف زنده می ماند.

امروز فقط جنگ نظامی نیست؛ اما همه تهاجمهای دیگر، با شدت کم سابقه‌ای وجود دارد. در مقابل این تهاجم، این جامعه اسلامی، باید زنده، هوشیار، آسیب‌ناپذیر، پرامید، آماده مقاومت، آماده ضربه زدن و به صورت یک موجود زنده مقاوم بماند و مقاومت کند. این، چگونه ممکن است؟ این است که بنده موضوع امر به معروف و نهی از منکر را مطرح کردم. موضوع امر به معروف که موضوع جدیدی نیست. این، تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه اسلامی، با انجام این تکلیف زنده می‌ماند. قوام حکومت اسلامی، با امر به معروف و نهی از منکر است؛



که فرمود: اگر این کار نشود، آن وقت «لَيْسَتْ لَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ شِرَارٌ كَفَيْدٌ عُواخِيَارُكُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ». قوام حکومت اسلامی و بقای حاکمیت اخیار، به این است که در جامعه امر به معروف و نهی از منکر باشد.



عباس بوربور

متولد ۱۳۳۵

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۵/۲۸

تیپهای قلاویزان

آری، کاروان انقلاب اسلامی سرعت گرفته است و هم‌چنان پیش می‌رود ولی ما از قافله عقب مانده‌ایم و اکنون به خود می‌آییم که آن‌ها رفته‌اند و من احساس می‌کنم در قبال این انقلاب هیچ زحمتی نکشیدی نکشیدیم و در برابر خون شهیدان شرمندهام

(فرازی از وصیت‌نامه)



امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرایط آن یک تکلیف شرعی عمومی برای حفظ احکام اسلام و سلامت جامعه است، و صرف توهم این که موجب بدبینی فاعل منکر یا بعضی از مردم نسبت به اسلام می‌گردد باعث نمی‌شود که این وظیفه‌ی بسیار مهم ترک شود.

منکرات از این جهت که منکر هستند فرقی بین آن‌ها نیست، ولی در عین حال ممکن است که بعضی از آن‌ها در مقایسه با منکرات دیگر دارای حرمت شدیدتری باشد. به هر حال نهی از منکر برای کسی که شرایط آن را احراز کرده یک وظیفه‌ی شرعی است و ترک آن جایز نیست، و در این حکم بین منکرات و محیط‌های دانشگاهی و غیر دانشگاهی تفاوتی وجود ندارد.



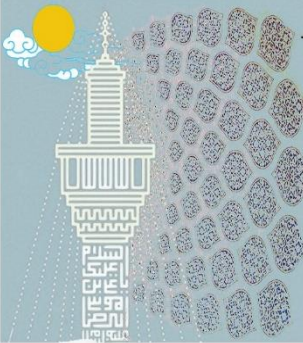
رساله‌ی آموزشی-عبادات مطابق فتاوی حضرت امام خامنه‌ای (مد ظله‌العالی) چاپ چهارم - صفحه ۳۳۴

با رفق و مدارا امر و نهی کند. امر و نهی، یعنی دستور دادن - یکن، نکن - غیر از تنها کردن است؛ اما همین را با رفق، مدارا و محبت - نه با خشونت - انجام دهد. به نظر این طوری باید عمل شود. ۱۳۸۲/۰۲/۲۲



امر به معروف و نهی از منکر حوزه ۲۴۵ بدر
ش VaAshura.blog.ir
VaAshura@chmail.ir





حضرت امام رضا^(ع) می‌فرمایند: باید امری معروف و نهی از منکر کنید اگر چنین نکند بدهای شما بر شما مسلط می‌شوند پس هر چه خوبانان دعا کنند مستجاب نمی‌شود. امری معروف و نهی از منکر در آموزه‌های دینی از جایگاهی بس بلند و ویژه برخوردار است. اساس نبوت پیامبران الهی بر امری معروف و نهی از منکر استوار بوده است. از این رو قرآن کریم نخستین وظیفه همه انبیاء را امری معروف و نهی از منکر معرفی کرده است. "ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید. خداوند گروهی را هدایت کرد و گروهی ضلالت و گمراهی دنبالشان را گرفت، پس در روی زمین برگردید و ببینید عاقبت تکذیب کنندگان چگونه بود." در آیه ۲۱ که سوره مومن آمده است، "ای مردم در روی زمین سیر نمی‌کنند تا عاقبت کار پیشینیان خود را ببینند و آنان که بسیار از اینان قوی تر و اثر وجودشان بیشتر بود سرانجام خداوند آنان را به کیفر گناهان برگرفت و از قهر و انتقام خداوند هیچ‌کس نگهدارشان نبود." در اهمیت امری معروف و نهی از منکر حضرت امام رضا^(ع) نیز می‌فرمایند: وقتی امت من از امری معروف و نهی از منکر شانه خالی کردند و آن را به یکدیگر واگذار کردند حتماً بدانند که با هلاکت و عذاب الهی روبرو خواهند شد. وقتی امت من از امری معروف و نهی از منکر شانه خالی کردند و آن را به یکدیگر واگذار کردند حتماً بدانند که با هلاکت و عذاب الهی روبرو خواهند شد.

ولادت امام رضا^(ع) و حضرت معصومه^(س) دهه کرامت گرمی باد



شیخ شهید احمد کافی در جایی تعریف می‌کرد که در کرج ده شب منبر رفت. کاباره‌ای را می‌بیند. باغی چند هزار متری با استخری درونش و قایق و این‌ها. شیخ می‌گوید رفتم پرس‌وجو کردم، گفتند صاحبش جوانی است که سی، چهل سال هم ندارد. خواستم با او صحبت کنم دیدم بچه هییتی را نمی‌توانم بفروستم یکی از داش‌های کرج را می‌بیند و به او می‌گوید با صاحب کاباره قرار بگذارد و فردا یک ساعت زودتر کرج می‌آید. بعد از کمی شوخی و مزاح [یک خرده حالش آوردم تا یک انسی با من پیدا بکند. راه دارد کارها] پرسید چقدر درآمد داری. می‌گوید هفت هشت هزار تومان که شیخ جواب می‌دهد هفت هشت هزار تومان که هیچ هفت هشت میلیارد هم کم است برای کاری که تو می‌کنی در مقابل عذاب خدا. و اطبا هم گفتند ضرر دارد و دلایل طبی هم می‌آورد. صاحب کاباره که جلال نام داشت با این حرف‌ها اصلاح نمی‌شود. شیخ از خدا مدد می‌گیرد تصرع می‌کند. که جلال سرش را به دیوار می‌زند و می‌گوید حاج آقا چه کار کنم؟ گفت در کاباره را ببند. جلال هم توضیح می‌دهد که ریا گرفته است و بدهکار است و هر چه در می‌آورد را قمار می‌کند. بدهی فتناد هشتاد هزار تومانی داشت. شیخ فردا در هیئت می‌گوید. شخصی بدهی را می‌پردازد و درب کاباره بسته می‌شود.

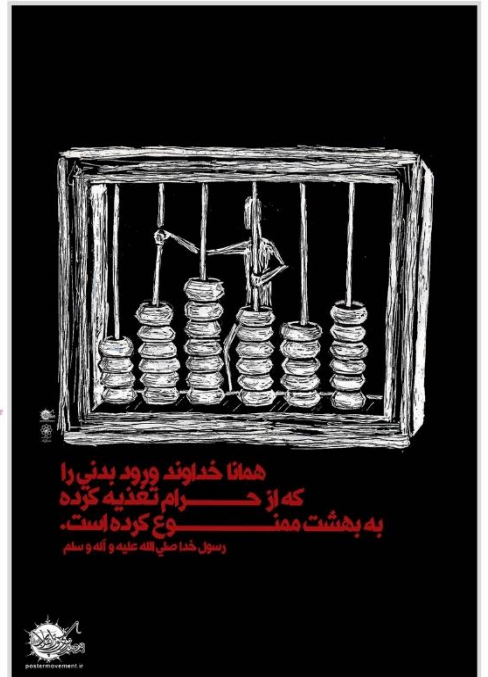
فقط
انسان
خوب
دوست
نکنید
این
خوب
را هم
نگهدارید



مترن کمال این مطلب

من گفتم: جلال جان، چهار پنج هزار نفر ناهار تهیه بین برای روز جمعه. من در مهدیه اعلام می‌کنم و همه رفیق‌ها با ماشین می‌آیند این‌جا، داخل صف می‌ایستیم هر نفر ده تومان به تو می‌دهیم ناهار می‌خوریم که خیال نکنی چهار تاعرق خور که رفت مذهبی‌ها مرده‌اند. فقط، انسان خوب درست نکند این خوب را هم نگه بدارید. فقط توبه کن درست نکند این توبه کن را جمع و جورش بکنید. یک ناهاری درست کرد و از مهدیه رفقا را برداشتیم رفتیم. در باغ هفت هزار متری که بلندگو می‌گذاشتند و جمعه‌ها بزن بکوب و رقص بود، ما هم همان بلندگوها را گذاشتیم و اول اذان ظهر اذان گفتیم و یک نماز جماعت سه چهار هزار نفری خواندیم بعد هم ناهار را، خود من هم ده تومان دادم که کسی توقع نکند. همه ناهارها را خوردند، با میل هم پول‌هایشان را دادند. بعد هم به جلال گفته بودم که دوست سبض تا لنگ تهیه کند. همه هفته جمعه‌ها یک مشت ارادل و اوایش در این استخرها می‌رفتند این هفته بچه مذهبی‌ها می‌خواهند شنا کنند جگرهایشان حال بیاد ... شنا کردند و دو نفر از وعاط تهران هم دعوت کرده بودم منبر رفتند. حاج علامه مداح هم گفتیم آمد یک قصیده‌ای خواند و غوغایی شد. علما خبردار شدند یک مشت آمدند، منبری‌ها آمدند ...

جلال ماه رمضان امسال آمد خانه ما. گفت حاج آقا، گفتم بله، گفت من امسال کارهایم را کرده‌ام می‌خواهم بروم مکه...



مانند باران

